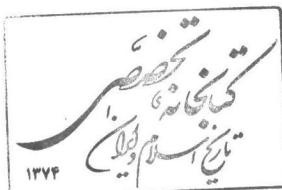


مِنْ وَهْنَمْ

# نَقْدُ اَدَلَّهِ خَالِفَتْ

تألیف: نجم الدین طبسی

تحقيق: حسن بلقان آبادی



## تقدیم خلافت

تألیف: نجم الدین طبیسی

انتشارات دلیل‌ما

تحقیق: حسن بلقان آبادی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نگارش

قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹-۰۲۵-۴۴۲-۶۰۰-۹۷۸

تلفن و نامبر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشر ان، طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳  
(ارتباط با ما) | [Info@dalilema.ir](mailto:Info@dalilema.ir) | [www.dalilema.ir](http://www.dalilema.ir) (خرید آنلاین)

## مراکز پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشر ان. طبقه همکف. واحد ۹ | تلفن: ۳۷۷۴۴۹۸۸ و ۳۷۷۳۳۴۱۳

قم، خیابان صفاییه، رویرویی کوچه ۳۸. پلاک ۷۵۹ | تلفن: ۳۷۷۳۷۰۰۱ و ۳۷۷۳۷۰۱۱

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، بیش بن بست ری. پلاک ۶۱ | تلفن: ۶۶۴۶۴۱۴۱

مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری. کوچه شهید خوارکیان. مجتمع گنجینه کتاب. طبقه اول | تلفن: ۳۲۲۳۷۱۱۳-۵

انتشارات دلیل‌ما  
[www.dalilema.ir](http://www.dalilema.ir)

سرشناسه: طبیسی، نجم الدین، ۱۳۳۴  
Tabasi, Najm al-Din

عنوان و نام پندیدار: تقدیم خلافت / تألیف نجم الدین طبیسی؛ تحقیق حسن بلقان آبادی.

متخصصات نظر:

محل نشر: تهران: دلیل‌ما، ۱۳۹۶

متخصصات ظاهري:

شماره: ۷۷۶

سال انتشار: ۱۳۹۶

وضعیت فهرستنیسی: فلیبا

کاتبانه: ص- ۷۵۷

پادداشت:

عنوان: پادداشت

موضوع:

خلافات -- احادیث

خلاقاً -- احادیث

Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- \*proof of caliphate -- Hadiths:

موضوع: شناسه افزوده

بلقان آبادی، حسن، ۱۵۵

شناخته: زده پندی کنگره

BP222-5/۵-۱۷۵

زده پندی دیوبی

۲۹۷/۳۵۲:

شاره کتابشناسی ملی

۵۰۳۸۸:

مرکز نشر و پخش کتب معارف اهل بیت

۹ سال ناشر نمونه و برگزیده کشوری

با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

لهم اسْتَغْفِرُكَ مِنْ ذَنْبِي



## فهرست مطالب

۲۱ ..... مقدمه مؤلف

### بخش اول

#### آیات مورد استناد اهل سنت برای اثبات خلافت خلفا / ۲۳

۱. آیه اتفاقی ..... ۳۵

استدلال اهل سنت ..... ۳۵

بررسی و نقد استدلال اهل سنت ..... ۴۱

اشکال اول: نازل نشدن آیه درباره خانواده ابوبکر ..... ۴۱

اشکال دوم: ضعف روایان حدیث ..... ۴۲

اشکال سوم: عام و قابل انطباق بودن آیه بر همگان ..... ۴۴

اشکال چهارم: ابوحداد شائن نزول سوره ..... ۴۵

اشکال پنجم: عدم صحت اجماع ..... ۴۸

اشکال ششم: عدم اشاره به ابوبکر ..... ۵۰

اشکال هفتم: ابوبکر ویژگی مذکور در آیه را ندارد ..... ۵۳

اشکال هشتم: ارتباط نداشتن آیه با انفاق مالی ..... ۵۴

اشکال نهم: اختلاف و اضطراب کلام مفسرین ..... ۵۶

ابوبکر و خریدن غلامان و آزاد کردن آنان.....	۵۶
روایت اول .....	۵۷
روایت دوم .....	۵۷
روایت سوم.....	۵۹
روایت چهارم.....	۶۳
روایت پنجم.....	۶۷
روایت ششم.....	۶۸
روایت هفتم.....	۶۹
روایت هشتم.....	۷۰
روایت نهم.....	۷۱
روایت دهم.....	۷۲
قصه ثروت ابوبکر و کمک مالی او به پیامبر ﷺ.....	۷۵
دلیل دوم بر ثروت ابوبکر.....	۸۴
خلاصه مطالب.....	۸۹
۲. آیه استخلاف.....	۹۱
ادعا و استدلال اهل سنت.....	۹۱
بررسی و نقد استدلال اهل سنت .....	۹۵
بررسی و نقد مقدمه اول .....	۹۶
بررسی و نقد مقدمه دوم .....	۹۶
بررسی و نقد مقدمه سوم .....	۹۹
اشکال اول: تناقض با مبنای عدم تعیین جانشین.....	۱۰۱
اشکال دوم: لزوم اثبات ایمان خلفا با دلیل دیگر.....	۱۰۳
اشکال سوم: تطبيق نداشتن آیه بر شیخین .....	۱۰۴
اشکال چهارم: عدم وجود امنیت در زمان ابوبکر.....	۱۰۷
اشکال پنجم: اختصاص داشتن آیه به زمان پیامبر ﷺ.....	۱۰۹
اشکال ششم: عدم وجود امنیت در دوران سه خلیفه.....	۱۱۴

۱۱۸.....	اشکالات مفسرین عامه .....
۱۱۸.....	اشکال اول: عدم شمول آیه نسبت به غائبان .....
۱۲۰.....	اشکال دوم: عدم انطباق آیه بردوازده امام .....
۱۲۰.....	خلاصه مطالب .....
۱۲۳.....	۳. آیه غار.....
۱۲۳.....	اهل سنت و دورنمایی از مفاد آیه .....
۱۲۵.....	استناد عمر بن خطاب به آیه غار.....
۱۲۶.....	بررسی و نقد استدلال اهل سنت .....
۱۲۷.....	سؤال اول: آیا همراهی ابوبکر با پیامبر ﷺ قطعی است؟
۱۲۸.....	شاهد اول: حضور ابوبکر در نماز سالم مولی ابی حذیفه .....
۱۳۰.....	شاهد دوم: عدم استناد ابوبکر به آیه غار.....
۱۳۱.....	شاهد سوم: عدم نزول آیه درباره ابوبکر .....
۱۳۱.....	شاهد چهارم: انکار ماجرا توسط برخی تابعین .....
۱۳۳.....	سؤال دوم: آیا آیه غار بر افضلیت ابوبکر دلالت دارد؟ .....
۱۳۳.....	بیان اول: همراهی با پیامبر ﷺ نشانه ایمان ابوبکر .....
۱۳۶.....	بیان دوم: همراهی ابوبکر با پیامبر ﷺ به دستور خداوند .....
۱۳۸.....	بیان سوم: تنها نگذاشتن پیامبر ﷺ و همراهی و همدی با آن حضرت .....
۱۳۹.....	بیان چهارم: نفر دوم در کنار پیامبر ﷺ .....
۱۴۱.....	بیان پنجم: مصاحبیت و همراهی با پیامبر ﷺ .....
۱۴۵.....	بیان ششم: محزون نشدن ابوبکر .....
۱۵۰.....	بیان هفتم: حمایت و پشتیبانی الهی .....
۱۵۲.....	بیان هشتم: نزول آرامش بر ابوبکر .....
۱۶۰.....	بیان نهم: تهیه اسباب و وسایل سفر و کمک‌های مادی به پیامبر ﷺ .....
۱۷۵.....	سایر موارد «دوم بودن» و بررسی و نقد آن .....
۱۷۶.....	دومین دعوت کننده به اسلام .....
۱۹۵.....	دومین نفر در جنگ‌ها .....

۲۰۳.....	دومین نفر در امامت جماعت.....
۲۰۳.....	دومین نفر در دفن شدن در کنار پیامبر ﷺ.....
۲۰۷.....	سخن پایانی.....
۲۰۸.....	خلاصه مطالب.....
۲۰۹.....	۴. آیه ارتداد.....
۲۰۹.....	استدلال اهل سنت.....
۲۱۳.....	بررسی و نقد استدلال اهل سنت.....
۲۱۳.....	بررسی و نقد ادعای اول.....
۲۱۴.....	اقوال مفسرین شیعه.....
۲۱۸.....	نظر مفسرین اهل سنت.....
۲۲۵.....	بررسی و نقد مسأله مرتدین.....
۲۲۶.....	بررسی و نقد جنگ‌های ابوبکر با مرتدین.....
۲۳۶.....	ادعایی دیگر از فخر رازی.....
۲۳۷.....	بررسی جنگ‌های حضرت علی ؑ.....
۲۴۲.....	بررسی و نقد ادعای دوم.....
۲۵۹.....	سخن ابن ابیالحدید معتلی.....
۲۶۰.....	خلاصه مطالب.....
۲۶۱.....	۵. آیه اولو الفضل.....
۲۶۱.....	شأن نزول آیه از نظر اهل سنت.....
۲۶۲.....	استدلال اهل سنت.....
۲۶۲.....	بیان اول.....
۲۶۳.....	بیان دوم.....
۲۶۴.....	بررسی و نقد استدلال اهل سنت.....
۲۶۴.....	اشکال اول: ثابت نبودن ارتباط آیه با ابوبکر.....
۲۶۶.....	اشکال دوم: تعارض روایات.....
۲۶۷.....	اشکال سوم: آیا مسطح در ماجرا نقش داشته است؟.....

اشکال چهارم: آیا ابوبکر صاحب فضل و مال بود؟ ..... ۲۶۷
اشکال پنجم: آیا مسطح کودک و یتیم بود؟ ..... ۲۶۸
اشکال ششم: فضیلت تراشی برای ابوبکر ..... ۲۶۸
اشکال هفتم: چرا ابوبکر به دخترش کمک نمی‌کرد؟ ..... ۲۶۹
اشکال هشتم: تناقض تفسیر فخر رازی با اقوال مفسران ..... ۲۷۱
اشکال نهم: دلالت آیه بر مذمت ابوبکر ..... ۲۷۲
اشکال دهم: اثبات فضیلت برای مسطح ..... ۲۷۴
اشکال یازدهم: معصوم نبودن ابوبکر ..... ۲۷۵
دیدگاه علمای شیعه درباره آیه و شأن نزول آن ..... ۲۷۶
تذکر مهم ..... ۲۷۷
خلاصه مطالب ..... ۲۷۷
۶. آیه مخالفین ..... ۲۷۹
استدلال اهل سنت ..... ۲۷۹
خلاصه استدلال و ادعاهای اهل سنت ..... ۲۸۴
بررسی و نقد استدلال اهل سنت ..... ۲۸۵
اشکال اول: اختلافات فراوان مفسران درباره «اولی بأس» ..... ۲۸۵
اشکال دوم: آیا «لن» دال بر نفی ابد است؟ ..... ۲۹۱
اشکال سوم: آیا فقط ابوبکر، متخلfan را به جنگ دعوت کرد؟ ..... ۲۹۱
اشکال چهارم: عدم ثبوت فضیلت برای ابوبکر ..... ۲۹۸
اشکال پنجم: حضرت علی ﷺ تنها مصدق آیه ..... ۲۹۹
اشکال ششم: دعوت کننده خداوند است نه خلیفه ..... ۳۰۷
اشکال هفتم: این ادعا از یکی از دشمنان حضرت علی ﷺ است ..... ۳۰۷
خلاصه مطالب ..... ۳۰۸
۷. آیه اشداء علی الکفار ..... ۳۱۱
تقریب استدلال اهل سنت ..... ۳۱۲
بررسی و نقد استدلال ..... ۳۱۵

اشکال اول: ضعف راویان.....	۳۱۵
اشکال دوم: قابل تطبیق بودن آیه بر همه صحابه.....	۳۱۶
اشکال سوم: غلیظ نبودن خلفا در برابر دشمنان .....	۳۱۸
اشکال چهارم: شفقت نداشتن خلفا در برابر مؤمنان .....	۳۱۹
اشکال پنجم: ممتنع بودن انطباق آیه بر خلفا.....	۳۲۰
اشکال ششم: ایراد شیخ مفید .....	۳۲۰
اشکال هفتم: نقد دیگر شیخ مفید.....	۳۲۳
اشکال هشتم: عدم دلالت آیه بر مدح خلفا.....	۳۲۴
اشکال نهم: نقد استدلال توسط آلوسی.....	۳۲۶
اشکال دهم: ایراد علامه مجلسی .....	۳۲۷
<b>خلاصه مطالب.....</b>	<b>۳۲۸</b>
۸. آیه سابقین .....	۳۳۱
تقریب استدلال اهل سنت.....	۳۳۲
مقدمه اول.....	۳۳۲
مقدمه دوم.....	۳۳۲
مقدمه سوم.....	۳۳۳
مقدمه چهارم.....	۳۳۳
نتیجه استدلال.....	۳۳۴
بررسی و نقد استدلال اهل سنت.....	۳۳۴
اشکال اول: سبقت در ایمان مقصود است نه هجرت.....	۳۳۵
اشکال دوم: اختلاف صحابه و تابعین در معنای سبقت.....	۳۴۱
اشکال سوم: حمل بر هجرت نیاز به دلیل دارد .....	۳۴۵
اشکال چهارم: چرا هجرت به شعب مقصود نباشد؟.....	۳۴۵
اشکال پنجم: عدم ثبوت همراهی ابوبکر در هجرت .....	۳۴۷
اشکال ششم: ثابت نشدن فضیلت برای ابوبکر توسط آیه .....	۳۴۷
اشکال هفتم: مشروط بودن وعده های خداوند.....	۳۴۹

۳۵۱	سؤال
۳۵۲	جواب
۳۵۳	اشکال هشتم: عام بودن آیه
۳۵۳	اشکال نهم: لزوم عصمت در خلیفه
۳۵۴	تذکر
۳۵۴	خلاصه مطالب
۳۵۷	۹. آیه صراط مستقیم
۳۵۷	استدلال اهل سنت
۳۵۸	بررسی و نقد استدلال فخر رازی

## بخش دوم

### روايات مورد استناد اهل سنت برای اثبات مشروعیت خلافت خلفا / ۳۶۱

۳۶۳	۱. حدیث اقتدا
۳۶۳	جایگاه روایت اقتدا نزد اهل سنت
۳۶۳	حاکم نیشابوری
۳۶۴	ابن قدامه
۳۶۴	تفتازانی
۳۶۵	ابن ابی العز
۳۶۵	مناوی
۳۶۵	اسناد و طرق روایت اقتدا
۳۶۶	۱. اسناد و طرق روایت حذیفه بن یمان
۳۶۶	طریق محمد بن عیسی ترمذی
۳۶۶	طریق ابن ماجه قزوینی
۳۶۶	طرق حاکم نیشابوری
۳۶۶	طریق ابن عبدالبر قرطبی
۳۶۷	طریق ابن ابی شیبة

طريق ابن عدی .....	۳۶۷.....
طرق احمد بن حنبل .....	۳۶۷.....
بررسی و نقد استناد روایت حذیفه بن یمان.....	۳۶۸.....
اشکال اول .....	۳۶۸.....
اشکال دوم .....	۳۶۸.....
۲. روایت عبدالله بن مسعود.....	۳۸۰.....
طريق ترمذی.....	۳۸۰.....
طريق حاکم نیشابوری.....	۳۸۰.....
طريق طبرانی.....	۳۸۰.....
طريق ابن عساکر دمشقی.....	۳۸۱.....
بررسی و نقد طريق ترمذی ، حاکم نیشابوری و طبرانی.....	۳۸۱.....
بررسی و نقد طريق ابن عساکر دمشقی.....	۳۸۷.....
۳. روایت انس بن مالک.....	۳۹۰.....
طريق ابن عساکر دمشقی .....	۳۹۰.....
طريق ابن حبان .....	۳۹۱.....
طريق ابن عدی .....	۳۹۱.....
بررسی و نقد طريق ابن عساکر دمشقی و ابن حبان .....	۳۹۲.....
بررسی و نقد طريق ابن عدی .....	۳۹۳.....
۴. روایت عبدالله بن عمر .....	۳۹۵.....
طريق اول .....	۳۹۵.....
طريق دوم .....	۳۹۵.....
بررسی و نقد روایت عبدالله بن عمر .....	۳۹۵.....
۵. روایت ابودرداء .....	۳۹۸.....
بررسی و نقد سند روایت ابودرداء .....	۳۹۹.....
۶. روایت ابوبکره .....	۴۰۲.....
بررسی و نقد سند روایت ابوبکره .....	۴۰۲.....

۷. روایت مادر بزرگ عبدالله بن ابوهذیل ..... ۴۰۵
بررسی و نقد سند روایت ..... ۴۰۵
چند نکته ..... ۴۰۶
نکته اول: اعراض بخاری و مسلم از روایت اقتدا ..... ۴۰۶
نکته دوم: نظرات برخی عالمان اهل سنت درباره روایت اقتدا ..... ۴۰۷
بررسی و نقد مفاد و دلالت روایت اقتدا ..... ۴۰۹
اشکال اول: اعراض بخاری و مسلم ..... ۴۰۹
اشکال دوم: عمل نکردن صحابه به روایت اقتدا ..... ۴۰۹
اشکال سوم: تعارض با مبنای عدم تعیین جانشین ..... ۴۱۰
اشکال چهارم: عدم اراده پیروی مطلق ..... ۴۱۰
اشکال پنجم: وجود اضطراب در روایت ..... ۴۱۱
اشکال ششم: بی توجهی به فقره انتهایی روایت ..... ۴۱۳
اشکال هفتم: لزوم اثبات عصمت برای خلفا ..... ۴۱۵
اشکال هشتم: نحوه عمل به روایت در مسائل اختلافی خلفا ..... ۴۱۶
اشکال نهم: اثبات خلافت همزمان برای ابوبکر و عمر ..... ۴۲۱
اشکال دهم: عدم ثبوت فضیلت توسط روایت اقتدا ..... ۴۲۲
اشکال یازدهم: حجیت خبر واحد در مسائل مهم اعتقادی؟ ..... ۴۲۲
اشکالدوازدهم: عدم استناد به روایت اقتدا در سقیفه ..... ۴۲۳
اشکال سیزدهم: عدم تبعیت فقهاء از نظرات ابوبکر و عمر ..... ۴۲۴
اشکال چهاردهم: جهل و نادانی خلفا نسبت به احکام ..... ۴۲۴
۲. حدیث مواسات ..... ۴۲۵
استدلال اهل سنت ..... ۴۲۵
اسناد و طرق روایت ..... ۴۲۶
بررسی و نقد سند روایت ..... ۴۲۷
اشکال اول: اعراض بخاری و مسلم ..... ۴۲۷
اشکال دوم: ضعف سند ..... ۴۲۷

بررسی و نقد دلالت روایت.....	۴۳۶
تصدیق پیامبر ﷺ توسط ابوبکر.....	۴۳۷
تزویج عایشه با پیامبر ﷺ .....	۴۳۸
کمک مالی ابوبکر به پیامبر ﷺ .....	۴۳۹
مواسات و جانفشنایی ابوبکر در راه اسلام و پیامبر ﷺ .....	۴۴۰
جهاد در لحظات خوف .....	۴۴۱
خلاصه مطالب.....	۴۴۲
۳. حدیث تبعیت از سنت خلفا .....	۴۴۳
متن کامل روایت مطابق نقل حاکم نیشابوری.....	۴۴۴
جایگاه و اهمیت روایت و استدلال اهل سنت .....	۴۴۵
اسناد و طرق روایت .....	۴۴۶
بررسی و نقد سند روایت.....	۴۴۷
اشکال اول: اعراض بخاری و مسلم از احادیث عرباض .....	۴۴۸
اشکال دوم: نقل روایات جعلی توسط عرباض .....	۴۴۹
اشکال سوم: وجود راویان ضعیف در سند .....	۴۵۰
بررسی و نقد دلالت روایت.....	۴۵۱
اشکال اول: عدم تدوین سنت رسول الله .....	۴۵۲
اشکال دوم: ذکر نشدن نام خلفادر روایت .....	۴۵۳
اشکال سوم: عدم استدلال خلیفه به روایت .....	۴۵۴
اشکال چهارم: عدم نیاز به شورا .....	۴۵۵
اشکال پنجم: تعیین امامت از سوی پیامبر ﷺ .....	۴۵۶
اشکال ششم: عمل به خبر واحد در مسائل مهم اعتقادی؟ .....	۴۵۷
اشکال هفتم: امتناع صدور روایت از پیامبر ﷺ .....	۴۵۸
اشکال هشتم: عدم ثبوت فضیلت .....	۴۵۹
اشکال نهم: تناقض صدر و ذیل روایت .....	۴۶۰
اشکال دهم: مخالفت صحابه با ابوبکر و عمر .....	۴۶۱

اشکال یازدهم: عمل نکردن علماء به عموم و اطلاق روایت .....	۴۸۰
اشکال دوازدهم: چرا به سنت‌های امیرالمؤمنین علیهم السلام عمل نمی‌شود؟ .....	۴۸۱
اشکال سیزدهم: عرباض تنها راوی روایت .....	۴۸۱
<b>خلاصه مطالب</b>	۴۸۲
۴. حدیث افضلیت ابوبکر .....	۴۸۵
جایگاه روایت نزد اهل سنت .....	۴۸۵
بررسی و نقد استدلال اهل سنت .....	۴۸۶
اسناد و طرق روایت .....	۴۸۶
اشکال اول: نقل روایت توسط راویان شامی .....	۴۸۷
اشکال دوم: مرسل بودن روایت .....	۴۸۷
اشکال سوم: وجود راویان دروغگو و اعوان ظلمه در سند .....	۴۸۸
بررسی و نقد مفاد و دلالت روایت .....	۵۰۳
اشکال اول: نقل نشدن روایت در منابع شیعه .....	۵۰۳
اشکال دوم: حجیت خبر واحد در مسائل مهم اعتقادی؟ .....	۵۰۴
اشکال سوم: انکار ابوبکر .....	۵۰۴
اشکال و جواب .....	۵۰۷
اشکال چهارم: افضل بودن ابوبکر یا عمر؟ .....	۵۰۸
اشکال پنجم: تعارض با روایات دیگر .....	۵۰۹
اشکال ششم: عدم استناد به روایت در سقیفه .....	۵۱۳
اشکال هفتم: عدم اثبات افضلیت ابوبکر .....	۵۱۳
<b>خلاصه مطالب</b>	۵۲۲
۵. حدیث خیر الأمة .....	۵۲۳
اهمیت و جایگاه حدیث .....	۵۲۳
طرق و اسناد حدیث .....	۵۲۴
بررسی و نقد سند روایت .....	۵۲۴
بررسی و نقد دلالت و مفاد روایت .....	۵۳۱

اشکال اول: تضاد و تعارض با روایات دیگر ..... ۵۳۱	
اشکال دوم: مناسبت نداشتن با سایر روایات ..... ۵۳۱	
خلاصه مطالب ..... ۵۳۴	
۶. حدیث خلت و دوستی ..... ۵۳۷	
اسناد و طرق روایت ..... ۵۳۷	
بررسی و نقد اسناد و طرق روایت ..... ۵۳۸	
بررسی و نقد دلالت روایت ..... ۵۴۴	
اشکال اول: تعارض با روایات دیگر ..... ۵۴۴	
اشکال دوم: تعارض با روایت اخوت و برادری ..... ۵۴۷	
اشکال سوم: تعارض قضیه فرض با قضیه واقعی ..... ۵۴۸	
اشکال چهارم: عدم ثبوت فضیلت با روایت دوستی ..... ۵۴۸	
اشکال پنجم: نقل نشدن روایت در منابع شیعه ..... ۵۴۸	
اشکال ششم: عدم استناد به روایت دوستی در سقیفه ..... ۵۴۹	
اشکال هفتم: معتقد نبودن عده‌ای از صحابه و تابعین به مفاد روایت ..... ۵۴۹	
خلاصه مطالب ..... ۵۵۰	
۷. حدیث برتری ابوبکر و عمر از زبان حضرت علی <small>علیه السلام</small> ..... ۵۵۳	
اسناد و طرق روایت ..... ۵۵۴	
بررسی و نقد سند روایت ..... ۵۵۴	
بررسی و نقد دلالت و مفاد روایت ..... ۵۵۹	
اشکال اول: افضلیت حضرت علی <small>علیه السلام</small> ..... ۵۵۹	
اشکال دوم: ابوبکر تحت امارت اسامة بن زید ..... ۵۶۰	
اشکال سوم: اعتقاد حضرت علی <small>علیه السلام</small> درباره افضلیت ..... ۵۶۰	
اشکال چهارم: تضاد روایت با روایات دیگر ..... ۵۶۱	
اشکال پنجم: تضاد روایت با روایت آثم، غادر ..... ۵۶۳	
خلاصه مطالب ..... ۵۶۴	
۸. حدیث وصیت ..... ۵۶۷	

جایگاه و اهمیت روایت .....	۵۶۸
بررسی و نقد سند روایت .....	۵۶۹
بررسی و نقد دلالت روایت .....	۵۸۶
اشکال اول: عدم استناد به روایت در سقیفه .....	۵۸۶
اشکال دوم: مخالفت عمر با تعیین ابویکر توسط پیامبر ﷺ .....	۵۸۶
اشکال سوم: تأسف ابن عباس از ماجرای یوم الخمیس .....	۵۸۷
اشکال چهارم: مخالفت بزرگان صحابه با خلافت ابویکر .....	۵۸۸
اشکال پنجم: عدم مشارکت مسلمانان در انتخاب ابویکر .....	۵۸۸
اشکال ششم: گمراهی مسلمانان پس از انتخاب ابویکر .....	۵۸۹
اشکال هفتم: تعارض روایت با سایر روایات عایشه .....	۵۸۹
اشکال هشتم: عدم حجیت سخنان پیامبر ﷺ در مرض موت .....	۵۹۱
اشکال نهم: جعل شدن روایت در برابر حدیث قرطاس .....	۵۹۱
اشکال دهم: وجود اضطراب در متن روایت .....	۵۹۲
اشکال یازدهم: جایگاه برادر عایشه .....	۵۹۲
خلاصه مطالع .....	۵۹۷
<b>۹. حدیث سالخورده‌گان بهشت .....</b>	<b>۵۹۹</b>
جایگاه و اهمیت روایت نزد اهل سنت .....	۵۹۹
اسناد و طرق روایت .....	۵۹۹
بررسی و نقد سند روایت .....	۶۰۰
بررسی و نقد دلالت و مفاد روایت .....	۶۳۲
اشکال اول: مقصود از سید سالمندان بهشت .....	۶۳۳
اشکال دوم: شواهد کذب روایت .....	۶۴۰
اشکال سوم: نقل نشدن روایت در منابع شیعه .....	۶۴۱
اشکال چهارم: اعراض بخاری و مسلم .....	۶۴۱
اشکال پنجم: عدم استناد به روایت در سقیفه .....	۶۴۱
خلاصه مطالع .....	۶۴۲

۶۴۵.....	۱۰. حدیث صلاة أبي بكر.....
۶۴۵.....	استدلال اهل سنت.....
۶۴۷.....	بررسی و نقد نماز خواندن ابوبکر به جای پیامبر ﷺ.....
۶۴۷.....	اشکال اول: ارتباط امامت در نماز با رهبری امت.....
۶۴۸.....	اشکال دوم: قیاس باطل.....
۶۴۹.....	اشکال سوم: حاضر نبودن ابوبکر در مدینه.....
۶۵۲.....	اشکال چهارم: عزل از امامت در نماز.....
۶۵۳.....	اشکال پنجم: یک جماعت با دو امام.....
۶۵۴.....	اشکال ششم: جایگاه امامت جماعت.....
۶۵۶.....	اشکال هفتم: امامت صحابه به جای پیامبر ﷺ.....
۶۵۶.....	اشکال هشتم: اقتدائی پیامبر ﷺ به برخی صحابه.....
۶۵۸.....	اشکال نهم: امامت جماعت عبدالرحمن بن عوف.....
۶۵۸.....	اشکال دهم: امامت تراشی عایشه برای ابوبکر.....
۶۶۲.....	اشکال یازدهم: دشمنی راویان حدیث با حضرت علیؑ.....
۶۶۳.....	اشکالدوازدهم: اضطراب و تعارض روایات صلاة ابی بکر.....
۶۶۴.....	اشکال سیزدهم: گریه در نماز.....
۶۶۵.....	اشکال چهاردهم: چرا ابوبکر خلافت را به عمر تعارف کرد؟.....
۶۶۵.....	اشکال پانزدهم: اقتداء به امامی که نشسته نماز می خواند.....
۶۶۶.....	اشکال شانزدهم: جواز امامت فاسق.....
۶۷۰.....	اشکال هفدهم: حجیت اوامر پیامبر ﷺ در مرض موت.....
۶۷۱.....	اشکال هجدهم: استناد به امامت جماعت و اعراض از غدیر.....
۶۷۲.....	اشکال نوزدهم: نقش عایشه .....
۶۷۲.....	چند نکته راجع به کلام تفتازانی .....
۶۷۲.....	نکته اول: تأمل در نقل ابن سعد.....
۶۷۲.....	نکته دوم: دشمنی حسن بصری با امیرالمؤمنین ؑ.....

نکته سوم: بیعت نکردن حضرت علی <small>صلوات الله علیه و آله و سلم</small> با ابوبکر ...	۶۷۳
نکته چهارم: ضعف و کیع بن جراح .....	۶۷۳
خلاصه مطالع .....	۶۷۳
دلیل اجماع .....	۶۷۵
بررسی و نقد اجماع .....	۶۷۶
اشکال اول: عدم تحقق اجماع .....	۶۷۶
اشکال دوم: معصوم نبودن انتخاب کنندگان .....	۶۷۷
اشکال سوم: اجماع بر بطلان خلافت ابوبکر .....	۶۷۷
دیدگاه علماء درباره روایات فضائل خلفا و صحابه .....	۶۷۹
ابن جوزی .....	۶۷۹
ابن اثیر جزری .....	۶۸۰
نفوظیه .....	۶۸۰
ابن حجر عسقلانی .....	۶۸۱
ابن ابی الحدید .....	۶۸۱
ابوالحسن مدائی .....	۶۸۲
فیروزآبادی .....	۶۸۳
عمادالدین طبری .....	۶۸۳

### نمایه‌ها / ۶۸۵

نمایه آیات .....	۶۸۷
نمایه روایات .....	۶۹۴
نمایه اسمی معصومین <small>صلوات الله علیه و آله و سلم</small> .....	۷۰۰
نمایه اعلام و القاب .....	۷۰۲
نمایه ایام و وقائع .....	۷۲۹
نمایه اماکن، شهرها و مناطق .....	۷۳۴

۷۳۸.....	نمایه طوایف، قبایل، فرق و مذاهب .....
۷۵۲.....	نمایه اشعار .....
۷۵۳.....	نمایه مشاغل و حرفة ها .....
۷۵۴.....	نمایه خوردنی ها و آشامیدنی ها .....
۷۵۵.....	نمایه ضرب المثل ها .....
۷۵۶.....	نمایه حیوانات .....
۷۵۷.....	کتابنامه .....

## مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أنقذنا من شفا جرف الهمکات بمتابعة أمثل الأديان وأرشدنا إلى سبيل ارتقاء مدارج أعلى الغرفات باقتقاء أفضل الإنس والجان وأوضح محاجتنا في ظلم الشبه والجهالة بإضاءة مصابيح آيات القرآن وأفصح حجتنا في مهاوي الشكوك الفاسدة والأوهام الكاسدة ببيان أهل العصمة وبيان مهابط التنزيل والفرقان صلى الله عليه وعليهم وعلى الأصحاب المرضيين صلاة تبلغنا إلى متنه الرضوان وتسكننا منازل القدس وبحابيحة الجنان.

از ديرباز روال بر اين بوده که در ارتباط با اثبات حقانيت و خلافت بلافصل پیامبر ﷺ فقط شیعه باید جوابگو باشد و استدلال کرده و دلیل بیاورد و طرف مقابل اشکال کند، مثلاً آیات متعدد و فراوانی را که علامه حلی در کتاب «نهج الحق» و دیگران نقل کرده‌اند، در مقام استدلال بیاوریم و اهل سنت یا به دلالت و یا به سند روایاتی که در ذیل آیات آمده، اشکال کنند.

روایات فراوانی که از پیامبر ﷺ همچون حدیث غدیر، حدیث مدینة العلم، حدیث طیر، حدیث منزلت و... را که اگر نص جلی و روشن بر امامت حضرت علی علیه السلام نباشد، به قول عame در حد نص خفی می‌باشد؛ ولی باز هم یا به سند ایراد وارد می‌کنند

که فلاں راوی شیعه است یا متهم به رفض می‌باشد و یا در دلالت آن ایراد و اشکال کرده و آن را توجیه می‌کنند، همانند توجیه ابن حجر عسقلانی در مورد روایت «لایحبك إلا مؤمن ولا يبغضك إلا منافق»<sup>۱</sup> و یا تحریف می‌کنند، همانند روایت «أنت مني بمنزلة هارون من موسى»<sup>۲</sup> و دهها ایرادی که زائیده اعتماد به پیش‌فرضهای اعتقادی آنان می‌باشد و نمی‌توانند آیه و حدیث واضح الدلاله و صحیح السند را در ابطال و رد آن تحمل کنند، لذا بر آن شدیدم تا دست از روال سابق برداشته و ما سوال کنیم و اهل سنت را در مقام پاسخ قرار دهیم. یعنی ما از آنان بپرسیم که ادله مشروعیت خلافت اشخاص مورد نظرتان چیست؟ آیا اجماع است؟ آیا انتخاب و اختیار مسلمین است یا نظر یک نفر؟<sup>۳</sup> آیا با نص جلی و نص خفی همراه است؟ یا این که معیار، افضلیت است؟

بعضی همانند قاضی ابویعلی و دیگران از احمد بن حنبل چنین نقل کرده‌اند: «هل ثبتت باختیار المسلمين له؟ أو بالنص الخفي عن النبي ﷺ؟ أو البين؟» آیا خلافت ابوبکر با انتخاب مسلمانان ثابت شده؟ یا با نص روشن یا با نص خفی؟ «أحدهما: بالاختیار و هو قول جمهور العلماء و الفقهاء و أهل الحديث و المتكلمين كالمعزلة

۱. وقد كتلت أستشكـل توثيقـهم الناصـبي غالـيا و توهـينـهم الشـيعة مطلـقا و لا سيـما أـن عـليـا وـردـ فيـ حقـه لا يـحبـه إـلا مـؤـمنـ و لا يـبغـضـه إـلا مـنـافقـ، ثم ظـهـرـ لـيـ فـيـ الجـوابـ عنـ ذـلـكـ أـنـ الـبعـضـ هـاهـنـا مـقـيـدـ بـسـبـبـ وـهـوـ كـوـنـهـ نـصـرـ النـبـيـ ﷺ لأنـ مـنـ الطـبعـ الـبـشـريـ بـغـضـ مـنـ وـقـعـتـ مـنـهـ إـسـاءـةـ فـيـ حـقـ الـمـبـغضـ وـ الـحـبـ بـعـكـسـهـ وـ ذـلـكـ مـاـ يـرـجـعـ إـلـىـ أـمـورـ الـدـنـيـاـ غـالـبـاـ وـ الـخـبـرـ فـيـ حـبـ عـلـيـ وـ بـغـضـهـ لـيـسـ عـلـىـ الـعـوـمـ...». تـهـذـيـبـ التـهـذـيـبـ: جـ ۸، صـ ۴۱۱، شـرحـ حالـ لـماـزـةـ بـنـ زـبـارـ، شـ ۸۳۱.

۲. سـمعـتـ حـرـيـزـ بـنـ عـثـمـانـ قـالـ: هـذـاـ الـذـيـ يـرـوـيـهـ النـاسـ عـنـ النـبـيـ ﷺ قـالـ لـعـلـيـ: أـنـ مـنـيـ بـمـنـزـلـةـ هـارـونـ مـنـ مـوـسـىـ، حـقـ وـلـكـ أـخـطـاـ السـامـعـ. قـلـتـ: فـمـاـ هـوـ؟ قـفـالـ: إـنـمـاـ هـوـ أـنـ مـنـيـ بـمـنـزـلـةـ قـارـونـ مـنـ مـوـسـىـ. قـلـتـ: عـنـ مـنـ تـرـوـيـهـ؟ قـالـ: سـمعـتـ الـولـيدـ بـنـ عـبـدـ الـمـلـكـ يـقـولـهـ». تـهـذـيـبـ الـكـمالـ فـيـ أـسـماءـ الرـجـالـ: جـ ۴، صـ ۲۲۷، شـرحـ حالـ حـرـيـزـ بـنـ عـثـمـانـ، شـ ۱۱۵۷.

۳. وـ دـلـلـنـاـ أـنـ عـقـدـ الـبـيـعـةـ لـأـبـيـ بـكـرـ». الـجـامـعـ لـأـحـكـامـ الـقـرـآنـ: جـ ۱، صـ ۲۰۵، ذـيلـ آـيـهـ ۳۰ـ سـورـهـ بـقـرـهـ. «كـعـقدـ عـمـرـ لـأـبـيـ بـكـرـ وـ عـقـدـ عـبـدـ الرـحـمـنـ بـنـ عـوـفـ لـعـثـمـانـ». شـرحـ الـمـوـاقـفـ: جـ ۸، صـ ۳۸۴، الـمـرـصـدـ الـرـابـعـ، الـمـقـصـدـ الثـالـثـ، فـيـماـ تـبـتـ بـهـ الـإـمـامـةـ.

والأشعرية وغيرهم» قول أول قول به انتخاب و اختيار مردم است و اين قول به علما و فقهاء و اهل حدیث و متكلمين همانند معتزله و اشاعره نسبت داده شده است. «والثانية: بالنص الخفي وهو قول طوائف أهل الحديث والمتكلمين ويروى عن الحسن البصري وبعض أهل هذا القول يقولون بالنص الجلي» اما قول دوم يعني لزوم ثبوت خلافت به نص خفى وغير واضح. اين قول نظر عدهاى از اهل حدیث و علمای کلام و حسن بصری است. البته بعضی هم قول به نص روشن را قبول دارند.<sup>۱</sup>

کسانی که مدعاً تعین خلیفه با انتخاب مردم و مسلمانان هستند به روایاتی ضعیف و جعلی و برخی اقوال منسوب به صحابه و استظهارات همسران پیامبر ﷺ همچون «إنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمْ يَعْهُدْ إِلَيْنَا عَهْدًا نَأْخُذْ بِهِ فِي إِمَارَةٍ وَلَكُنَّهُ شَيْءٌ رَأَيْنَاهُ مِنْ قَبْلِ أَنفُسَنَا»<sup>۲</sup> و «إِنْ أَسْتَخْلِفَ عَلَيْكُمْ فَتَعْصُمُونَ خَلِيفَتِي يَنْزَلُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ»<sup>۳</sup> و «أَنَّ النَّبِيَّ وَضَعَ حَجْرًا ثُمَّ قَالَ: لِيَضُعَ أَبُوبَكَرُ حَجْرَهُ إِلَى جَنْبِ حَجْرِيِّ، ثُمَّ قَالَ: لِيَضُعَ عُمَرُ حَجْرَهُ إِلَى جَنْبِ حَجْرِ أَبِيِّ بَكَرٍ، ثُمَّ قَالَ: لِيَضُعَ عُثْمَانُ حَجْرَهُ إِلَى جَنْبِ حَجْرِ عُمَرٍ، ثُمَّ قَالَ: هُؤُلَاءِ الْخَلْفَاءُ مِنْ بَعْدِي»<sup>۴</sup> و «سُئِلَتْ: مَنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ مُسْتَخْلِفًا لَوْ اسْتَخْلَفَهُ؟ قَالَتْ: أَبُوبَكَرٌ. فَقَيلَ لَهَا: ثُمَّ مَنْ

۱. «حکی أصحابنا كالقاضی أبي بعلی و غيره عن الإمام أحمد في خلافة أبي بکر هل ثبتت باختیار المسلمين له؟ أو بالنص الخفي عن النبي ﷺ؟ أو الیتی؟ أحدهما: بالاختیار و هو قول جمهور العلماء و الفقهاء و أهل الحديث والمتكلمين كالمعتزلة والأشعرية وغيرهم. والثانية: بالنص الخفي وهو قول طوائف أهل الحديث والمتكلمين ويروى عن الحسن البصري. وبعض أهل هذا القول يقولون بالنص الجلي». مجموعة الفتاوى: ج ۳۵، ص ۳۱.

۲. المسند: ج ۱، ص ۱۱۴، مسند علي بن أبي طالب و مجمع الروايد و مبنی الفوائد: ج ۵، ص ۱۷۵، كتاب الخلافة، باب الخلفاء الأربع. احمد بن حنبل روايت رااز حضرت على ﷺ نقل کرده است. در جعلی و دروغ بودن این حدیث همین بس که سند ندارد و احمد بن حنبل با تعبیر «عن رجل» روايت رااز حضرت على ﷺ نقل کرده است.

۳. مجمع الروايد و مبنی الفوائد: ج ۵، ص ۱۷۶، كتاب الخلافة، باب الخلفاء الأربع.

۴. «وهذا حدیث لم يتابع عليه، لأنَّ عمر بن الخطاب و علي بن أبي طالب قالا: لم يستخلف النبي ﷺ». الضعفاء الصغیر: ص ۱۱، شرح حال حشرج بن نباته، ش ۹۹؛ الضعفاء الكبير: ج ۱، ص ۲۹۷، شرح حال حشرج بن نباته، ش ۳۶۹ و تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام: ج ۱۰، ص ۱۴۱، حوادث ووفیات ۱۶۱ - ۱۷۰. قمری، شرح حال حشرج بن نباته، ش ۷۷.

بعد أبي بكر؟ قالت: عمر. ثم قيل لها: مَنْ بَعْدُ عَمْرٍ؟ قالت: أبو عبيدة بن الجراح<sup>۱</sup> كه مفاد آنها واگذاری امر خلافت به مردم است، استناد می‌کنند. این روایات علاوه بر متهم بودن برخی راویان آن به نصب و دشمنی با حضرت علی و اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> هیچ دلالتی بر خلافت ابوبکر و سایر خلفاً نداشته و به همین دلیل از سوی بسیاری از علمای اهل سنت مورد اعتنا و توجه قرار نگرفته است.

سرخسی در راستای اثبات مشروعیت خلافت خلفاً به ماجرای اثبات نشده نماز خواندن ابوبکر به جای پیامبر<sup>صلوات الله عليه وآله وسلام</sup> در آخرین روزهای عمر شریف آن حضرت واستنباط صحابه استناد کرده و می‌نویسد:

صحابه معتقدند کسی که از طرف پیامبر برای امور دینی و امامت نماز مردم انتخاب شده، صلاحیت خلافت در امور دنیوی را نیز دارد.<sup>۲</sup>

ذهبی در تأیید نظریه عدم تعیین خلیفه از جانب پیامبر، روایت «هؤلاء الخلفاء من بعدی»<sup>۳</sup> را که به عایشه منسوب است، نقل کرده و در رد آن می‌گوید: این روایت به هیچ وجه صحیح نیست.<sup>۴</sup>

۱. صحيح مسلم: ص ۱۱۰۴، کتاب فضائل الصحابة، باب من فضائل أبي بكر، ح ۶۱۲۸.

۲. «وَتَكَلَّمُ النَّاسُ فِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ هُلْ أَوْصَى إِلَى أَحَدٍ وَالصَّحِيفَةُ عَنْدَنَا أَنَّهُ لَمْ يُوصَ إِلَى أَحَدٍ بِشَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرَ أَبَا بَكْرٍ أَنْ يَصْلَيْ بِالنَّاسِ وَبِإِسْتِدْلَوَةِ عَلَى خَلَافَتِهِ فَقَالُوا: مَا اخْتَارَهُ لَأَمْرِ دِينِنَا إِلَّا وَهُوَ يَرْضِيُ بِهِ لِأَمْرِ دِينِنَا». الميسوط: ج ۲۷، ص ۱۴۵، کتاب الوصايا.

۳. «حدثنا أبو علي الحافظ، ثنا أبو بكر محمد بن محمد بن سليمان، ثنا أبو عبيدة الله أحمدر بن عبد الرحمن بن وهب، حدثني عمي، ثنا يحيى بن أيوب، ثنا هشام بن عروة، عن أبيه، عن عائشة قالت: أول حجر حمله النبي<sup>صلوات الله عليه وآله وسلام</sup> لبناء المسجد، ثم حمل أبو بكر حجراً آخر، [ثم حمل عمر حجراً آخر] ثم حمل عثمان حجراً آخر، فقلت: يا رسول الله! الاتر إلى هؤلاء كيف يساعدونك؟ فقال: يا عائشة! هؤلاء الخلفاء من بعدي». المستدرک على الصحيحين: ج ۳، ص ۱۰۳، کتاب معرفة الصحابة، فضائل عثمان بن عفان، ح ۴۵۳۳.

۴. قال في التلخيص: أحمد بن عبد الرحمن بن وهب منكر الحديث وهو من نقم على مسلم إخراجه في الصحيح ويحيى [بن أيوب] وإن كان ثقة فقد ضعف، ثم لو صح هذا الكان نصاً في خلافة الثلاثة ولا يصح بوجه، فإن عائشة لم تكن يومئذ دخل بها النبي<sup>صلوات الله عليه وآله وسلام</sup> وهي محجوبة صغيرة، فقولها هذا يدل على بطلان الحديث». المستدرک على الصحيحين: ج ۳، ص ۱۰۳، ذیل حديث ۴۵۳۳.

ابن خلدون نیز بر این نظریه تاکید کرده و تعیین جانشین پیامبر را جزء مصالح عمومی می‌داند که تصمیم‌گیری آن بر عهده مردم گذاشته شده است.<sup>۱</sup>

ابن ابیالحدید نیز این نظریه را به همه عالمان اهل سنت نسبت داده و می‌گوید:

هیچ نصی از جانب پیامبر ﷺ بر این امر وجود ندارد و جانشین پیامبر با اجماع و انتخاب مردم محقق شده است.<sup>۲</sup>

با توجه به وجود اختلاف در افضلیت ابوبکر و اتفاق نظر علمای بغداد اعم از قدما و متاخرین و جمعی از عالمان بصره بر افضلیت حضرت علیؑ و سنت بودن استدلال اهل سنت بر ادعای عدم استخلاف و واگذار شدن امر خلافت به رای مردم و انتخاب و شورا و روشن بودن افضلیت حضرت علیؑ و وضوح ادله لزوم تعیین خلیفه و جانشین از جانب پیامبر اکرم ﷺ اهل سنت را وارد فاز جدید و جمع آوری آیات و روایات دال بر برتری خلیفه اول و اثبات مشروعيت خلافت او کرده است. قرطبي از مفسران عامه ذیل آیه <sup>۴۰</sup> سوره توبه ادعا می‌کند که احاديث و روایات صحیحی وجود دارد که بر خلافت ابوبکر دلالت می‌کند و همه مسلمانان صدر اسلام

۱. «وَأَنَّمَا هِيَ مِنَ الْمَسَالِحِ الْعَامَةِ الْمُفَوَّضَةِ إِلَى نَظَرِ الْخَلْقِ». تاریخ ابن خلدون: ج ۱، ص ۲۲۴، فی ولایة العهد.

۲. «أَنَّهَا لَمْ تَكُنْ عَنْ نَصٍّ وَإِنَّمَا كَانَتْ بِالْإِخْتِيَارِ الَّذِي ثَبَّتَ بِالْإِجْمَاعِ...». شرح نهج البلاغة: ج ۱، ص ۷.

۳. «اتفق شيوخنا كافة رحمة الله المتقدمون منهم والمتاخرون والبصريون والبغداديون على أن بيعة أبي بكر... وأنها لم تكن عن نصٍّ وإنما كانت بالإختيار الذي ثبت بالإجماع وغير الإجماع كونه طريقاً إلى الإمامة. واختلفوا في التفضيل، فقال قدماء البصريين [البصريين] كأبي عثمان عمرو بن عبد وأبي اسحاق إبراهيم بن سيار النظام وأبي عثمان عمرو بن بحر الجاحظ وأبي معن ثمامة بن أشرس وأبي محمد هشام بن عمرو الفوطى وأبي يعقوب يوسف بن عبد الله الشحام وجماعة غيرهم إن أبا بكر أفضل من عليؑ و هو لا يجعلون ترتيب الأربع في الفضل كترتيبهم في الخلافة. وقال البغداديون قاطبة قدماءهم و متاخروهم كأبي سهل بشر بن المعتمر وأبي موسى عيسى بن صبيح وأبي عبدالله جعفر بن مبشر وأبي جعفر الإسکافی وأبي الحسين الخطاط و أبي القاسم عبدالله بن محمود البلاخي و تلامذته: إن عليؑ أفضل من أبي بكر. وإلى هذا المذهب ذهب من البصريين أبو علي محمد بن عبدالوهاب الجبائي أخيراً و كان من قبل من المتفقين، كان يميل إلى التفضيل ولا يصرح به وإذا صفت ذهب إلى الوقف في مصنفاته وقال في كثير من تصنيفاته: إن صحيحة خبر الطائر فعلى أفضله». شرح نهج البلاغة: ج ۱، ص ۷.

با خلافت او موافق بوده و احدی مخالفت نکرده است. کسانی که به مشروعيت خلافت ابوبکر اشکال وارد کنند فاسق و کافر هستند.<sup>١</sup>

سعد الدین تقاضانی برای اثبات مشروعيت خلافت ابوبکر علاوه بر ادعای اجماع<sup>٢</sup> و رضایت و همراهی حضرت علی علیہ السلام<sup>٣</sup> به آیات «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْفِفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ»<sup>٤</sup> و «قُلْ لِلْمُخْلَفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَئِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتَلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتُكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَوَلُّوْا كَمَا تَوَلَّتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>٥</sup> و «كُنْتُمْ خَيْرًا مِمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَهْوُنَ

١. وقد جاء في السنة أحاديث صحيحة يدل ظاهرها على أنه الخليفة بعده، وقد انعقد الإجماع على ذلك ولم يبق منهم مخالفٌ والقادح في خلافته مقطوعٌ بخطه وتفسيقه وهل يكفر أم لا؟ يختلف فيه والأظهر تكفيه. وسيأتي لهذا المعنى مزيد بيان في سورة الفتح إن شاء الله. والذى يقطع به من الكتاب والسنة وأقوال علماء الأمة و يجب أن تومن به القلوب والأفتدية فضل الصديق على جميع الصحابة ولا مبالغة بأقوال أهل الشيع و لأهل البدع، فإنهم بين مكفر تضرب رقبته وبين مبتدع مفسق لانتقل كلمته، ثم بعد الصديق عمر الفاروق، ثم بعده عثمان. روى البخاري عن ابن عمر قال: كنا نخbir بين الناس في زمان رسول الله، فنخبر أبا بكر، ثم عمر، ثم عثمان. واختلف أئمة أهل السلف في عثمان وعلي، فالجمهور منهم على تقديم عثمان، وروي عن مالك أنه توقف في ذلك وروي عنه أيضاً أنه رجع إلى ما عليه الجمهور وهو الأصح إن شاء الله». الجامع لأحكام القرآن: ج ٤، ص ٣٥٥، ذيل آية ٤٠ سورة توبه.

٢. «الأول الإجماع وهو العمدة، إجماع أهل الحل والعقد على ذلك وإن كان من البعض بعض تردد وتوقف على ما روي أنَّ الأنصار قالوا: مَنْ أَمِيرٌ وَمَنْكُمُ الْأَمِيرُ، وَأَنَّ أَبْيَاسِيَانَ قَالَ: أَرْضِيَتِمْ يَا عَبْدَمَنَافَ أَنْ يَلِي عَلَيْكُمْ تَيِّمَ؟ وَاللَّهُ لَمْ أَلََّ الْوَادِي خِيلًا وَرَجَلًا وَذَكْرٌ فِي صَحِيفَ الْبَخَارِيِّ وَغَيْرُهُ مِنَ الْكِتَبِ الصَّحِيفَةِ أَنَّ بَعْعَدَهُ عَلَيْ...». شرح المقاصد: ج ٣، ص ٤٩٧، المقصد السادس، في السمعيات، فصل في الإمامة.

٣. «أنَّ الْمَهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارَ اتَّقَوْا عَلَى أَنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَعْدُ أَبْيَاكَرَ وَعَلِيًّا وَالْعَبَاسَ، ثُمَّ إِنَّ عَلِيًّا وَالْعَبَاسَ بَايِعاً أَبْيَاكَرَ وَسَلِمَا لِهِ الْأَمْرَ، فَلَوْلَمْ يَكُنْ عَلَى الْحَقِّ لَنَازَعَاهُ، كَمَا نازَعَ عَلِيًّا مَعَاوِيَةً، لَأَنَّهُ لَا يَلِيقُ لَهُمَا السُّكُوتُ عَنِ الْحَقِّ وَلَأَنَّ تَرْكَ الْمَنَازِعَةِ يَكُونُ مُخَلَّاً بِالْعَصْمَةِ الْوَاجِهَةِ عِنْكُمْ فَيَخْرُجُانَ عَنِ الْأَهْلِيَّةِ الْإِمَامَةِ». شرح المقاصد: ج ٣، ص ٤٩٨، المقصد السادس، في السمعيات، فصل في الإمامة.

٤. سورة نور (٢٤)، آية ٥٥. «وَعَدَ الْخَلَافَةَ لِجَمَاعَةِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُخَاطَبِينَ وَلَمْ يَبْثُتْ لِغَيْرِ الْأَنْتَمِ الْأَرْبَعَةَ، فَيُثْبِتُ لَهُمْ عَلَى التَّرْتِيبِ». شرح المقاصد: ج ٣، ص ٤٩٨، المقصد السادس، في السمعيات، فصل في الإمامة.

٥. سورة فتح (٤٨)، آية ١٦. «جَعَلَ الدَّاعِي مُفْتَرَضَ الطَّاغِيَةِ. وَالمرادُ بِهِ عِنْدَ أَكْثَرِ الْمُفْسِرِينَ أَبْيَاكَرَ وَالْقَوْمَ <



اما به نظر می‌رسد ادله مذکور را قانع کننده ندانسته و می‌گوید:

هر یک از ادله ذکر شده اگر به تنها یعنی مورد لحاظ قرار گیرد ظن آور بوده و موجب پیدایش قطع و یقین نمی‌شود، اما برای اثبات خلافت کافی است.<sup>۱</sup>

تفتازانی هرچند برای اثبات افضلیت ابوبکر آیات و روایاتی را ذکر می‌کند که اکثر آنها حتی از نظر خودشان نیز مورد اشکال و مناقشه است، اما در نهایت دست به دامن اقوال و نظرات علماء شده و می‌گوید:

بیشتر علماء خلفای چهارگانه را به ترتیب خلافت، یکی از دیگری افضل می‌دانند و حسن ظن نسبت به علماء ایجاب می‌کند که برای اثبات این مطلب دلیل قانع کننده‌ای داشته‌اند.<sup>۲</sup>

ابن حجر هیثمی نیز در کتاب «الصواعق المحرقة»<sup>۳</sup> برای خلاصی از این مخموصه فصلی تحت عنوان «النصوص السمعية الدالة على خلافته من القرآن و السنة» قرار داده و به آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنِ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقُومٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّهُمْ نَهْجَةً أَذْلَلَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةً عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَائِمَ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلَيْهِ»<sup>۴</sup> و «قُلْ لِلْمُخْلَفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَونَ إِلَى قَوْمٍ أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوْهُمْ يُؤْتُكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلُّوْهُمْ كَمَا تَوَلَّيْهُمْ مِنْ قَبْلٍ يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»<sup>۵</sup> و «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ

۱. «وَهَذِهِ الْوَجْهَوْ إِنْ كَانَتْ ظَنِيَّاتٍ، فَنَصَبَ الْإِمَامُ مِنَ الْعَمَليَّاتِ، فِيكَفِي فِيهِ الظَّنُّ، عَلَى أَنَّهَا بِاجْتِمَاعِهَا رِبَما تَفَيَّدَ الْقَطْعُ لِبَعْضِ الْمُنْصَفِينِ، وَلَوْسَمَ فَلَأَقْلَلَ مِنْ صَلْوَحَهَا سَنَدًا لِلْإِجْمَاعِ وَتَأْيِيْدًا». شرح المقاصد: ج ۳، ص ۴۹۹، المقصد السادس، في السمعيات، فصل في الإمامة.

۲. «لَنَا إِجْمَالًا أَنَّ جَمِيعَ عَظَمَاءِ الْمَلَكَ وَعُلَمَاءِ الْأَمَّةِ أَطْبَقُوا عَلَى ذَلِكَ وَحَسَنَ الظَّنُّ بِهِمْ يَقْضِي بِأَنَّهُمْ لَوْلَمْ يُعْرَفُوهُ بِدَلَالَتِهِ وَأَمَارَاتِ لَمَّا أَطْبَقُوا عَلَيْهِ». شرح المقاصد: ج ۳، ص ۵۱۹، المقصد السادس، في السمعيات، فصل في الإمامة، المبحث السادس، الأفضلية بين الخلفاء الراشدين.

۳. الصواعق المحرقة في الرد على أهل البدع والزنقة: ص ۲۶ - ۱۶، الفصل الثالث في النصوص السمعية الدالة على خلافته من القرآن و السنة.

۴. سوره مائدہ (۵)، آیه ۵۴.

۵. سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۶.

وَعَمِلُوا الصَّالَحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ<sup>١</sup> وَ«لِلْقُرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»<sup>٢</sup> وَ«اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>٣</sup> وَبرخى روایات همچون «أَتَ امْرَأُ النَّبِيِّ ﷺ فَأَمْرَهَا أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ، قَالَتْ: أَرَأَيْتَ إِنْ جَئْتُ وَلَمْ أَجِدْكَ - كَأَنَّهَا تَقُولُ الْمَوْتَ - قَالَ ﷺ: إِنْ لَمْ تَجِدِنِي فَأَتِيَ أَبَابِكَرَ»<sup>٤</sup> وَ«يَكُونُ خَلْفِي إِثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، أَبُوبَكَرَ لَا يَلِبْسُ إِلَّا قَلِيلًا»<sup>٥</sup> وَ«اقْتَدُوا بِاللَّذِينَ مِنْ بَعْدِي»<sup>٦</sup> وَ«لَوْ كُنْتُ مَتَّخِذًا مِنْ أُمَّتِي خَلِيلًا لَأَتَخْذِذَ أَبَابِكَرَ وَلَكِنْ أَخِي وَصَاحِبِي»<sup>٧</sup> وَ«عَنْ أَنْسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: بَعْنَيْ بْنُ الْمَصْطَلِقِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالُوا: سَلْ لَنَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مِنْ نَدْفَعُ صَدَقَاتَنَا بَعْدَكَ؟ قَالَ: فَأَتَيْتَهُ، فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: إِلَى أَبِي بَكَرٍ. فَأَتَيْتَهُمْ، فَأَخْبَرْتَهُمْ. فَقَالُوا: إِرْجِعْ إِلَيْهِ فَسْلِهِ، فَإِنْ حَدَثَ أَبِي بَكَرٍ حَدَثَ فَإِلَى مَنْ؟ فَأَتَيْتَهُ، فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: إِلَى عُمَرَ. فَأَتَيْتَهُمْ، فَأَخْبَرْتَهُمْ. فَقَالُوا: إِرْجِعْ إِلَيْهِ فَسْلِهِ، فَإِنْ حَدَثَ بَعْثَمَانَ حَدَثَ فَإِلَى مَنْ؟ فَأَتَيْتَهُ، فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: إِلَى عُثْمَانَ. فَأَتَيْتَهُمْ، فَأَخْبَرْتَهُمْ. فَقَالُوا: إِرْجِعْ إِلَيْهِ فَسْلِهِ، فَإِنْ حَدَثَ بَعْثَمَانَ حَدَثَ فَإِلَى مَنْ؟ فَأَتَيْتَهُ، فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: إِنْ حَدَثَ بَعْثَمَانَ حَدَثَ فَتَبَّأْ لَكُمُ الدَّهْرَ تَبَّأْ»<sup>٨</sup> كَهْ يَا از نظر سند ضعيف هستند و يا دلالت آنها بر مطلب ادعا شده مخدوش است، استناد کرده و با جمع آوری غث و سمين، سعى کرده ادعای خود مبني بر افضلیت خلیفه اول

١. سورة نور (٢٤)، آية ٥٥.

٢. سورة حشر (٥٩)، آية ٨.

٣. سورة حمد (١)، آية ٦.

٤. صحيح البخاري: ص ٧٣٢، كتاب فضائل أصحاب النبي، باب مناقب المهاجرين و فضلهم، باب قول النبي: لو كنت متخدنا خليلاً ح ٣٦٥٩.

٥. سير أعلام النبلاء: ج ١٠، ص ٤١١، شرح حال عبدالله بن صالح، ش ١١٥.

٦. سنن الترمذى: ص ٦٦٠، كتاب المناقب، في مناقب أبي بكر و عمر، ح ٣٦٦٢.

٧. صحيح البخاري: ص ٧٣٢، كتاب فضائل أصحاب النبي، باب مناقب المهاجرين و فضلهم، باب قول النبي: لو كنت متخدنا خليلاً ح ٣٦٥٧، ٣٦٥٨ و ٣٦٥٩.

٨. المستدرک على الصحيحین: ج ٣، ص ٨٢، كتاب معرفة الصحابة، أبو بكر بن أبي قحافة، ح ٤٤٦٠.

بر حضرت علی صلی الله علیه و آله و سلم را به اثبات رسانده و بر خلاف اکثر قریب به اتفاق اهل سنت می‌گوید:  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با صراحة و روشنی تمام، ابوبکر را به عنوان جانشین  
 خودش تعیین کرده است.<sup>۱</sup>

ابن عبدالبر قرطبی نیز با استناد به روایت «أَتَتْ أُمْرَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَسَأَلَهُ عَنْ  
 شَيْءٍ، فَأَمْرَهَا أَنْ تَرْجِعَ إِلَيْهِ». فقالت: يا رسول الله! أرأيت إن جئت فلم أجده؟ تعني الموت.  
 فقال لها رسول الله: إن لم تجديني فأتي أبا بكر» می‌نویسد: این روایت بر خلافت ابوبکر  
 دلالت دارد.<sup>۲</sup>

مُهَلَّب طرفدار آل زبیر و مروان<sup>۳</sup> نیز در سخن و رفتاری کاملاً متناقض، ابتدا تعیین  
 خلیفه از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را رد کرده، اما وقتی با روایت «أَدْعِي لِي أَبَابِكَرَ أَبَاكَ  
 وَأَخَاكَ حَتَّى أَكْتُبَ كِتَابًا، إِنَّمَا أَخَافُ أَنْ يَتَمَنَّى مِنِّي وَيَقُولُ قَائِلٌ: أَنَا أَوْلَى، وَيَأْبَى اللَّهُ  
 وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَّا أَبَابِكَرَ» مواجه شده، آن را دلیل قاطع و روشنی بر خلافت ابوبکر دانسته  
 و مورد اعتراض و نقد ابن حجر عسقلانی قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

سیوطی یکی از مفسران عامه در کتاب «تاریخ الخلفا» هرچند در صدد حل تناقض

۱. «وَمِنْ تَأْمُلِ الْأَحَادِيثِ الَّتِي قَدَّمَنَا هَا عِلْمُ مِنْ أَكْثَرِهَا أَنَّهُ نَصٌّ عَلَيْهَا نَصًا ظَاهِرًا». الصواعق المحرقة في الرذ  
 على أهل البدع والزنقة: ص ۲۶، الباب الأول في بيان كيفية خلافة الصديق، الفصل الرابع في بيان أن النبي  
 هل نص على خلافة أبي بكر؟

۲. «في هذا الحديث دليل على أن الخليفة بعد رسول الله أبوبكر». الإستيعاب في معرفة الأصحاب: ج ۳،  
 ص ۹۶، شرح حال ابوبکر، ش ۱۶۵۱.

۳. مهلب بن أبي صفرة ظالم بن سراق در سال ۷ هجری قمری در دبا به دنیا آمده و در سال ۸۳ هجری قمری در  
 خراسان از دنیا رفته است. وی در ایام عمر بن خطاب به همراه پدرش به مدینه آمده است. مهلب از همکاران  
 و همدستان دستگاه زبیریان و مروانیان به شمار می‌رود و در زمان مصعب بن زبیر از طرف وی به امارت بصره  
 منصوب شده و در دوران خلافت عبدالملک بن مروان حکومت خراسان به وی واگذار شده است. الأعلام:  
 ج ۷، ص ۳۱۵، شرح حال مهلب بن ابی صفره.

۴. «وَأَفْرَطَ الْمَهْلَبَ قَوْلًا: فِيهِ دَلِيلٌ قَاطِعٌ فِي خَلَافَةِ أَبِي بَكَرٍ وَالْعَجْبُ أَنَّهُ قَرَرَ بَعْدَ ذَلِكَ أَنَّهُ ثَبَّتَ أَنَّ النَّبِيَّ  
 لَمْ يَسْتَخْلُفْ». فتح الباری بشرح صحيح البخاری: ج ۱۳، ص ۲۱۹، کتاب الأحكام، باب الاستخلاف، شرح  
 ح ۷۲۱۷.

موجود بین روایات دال و نص برخلافت ابوبکر و مبنای عدم تعیین خلیفه از سوی رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> برآمده، اما به این سؤال مهم پاسخ نداده است که اگر این همه روایت واضح و روشن برخلافت ابوبکر وجود دارد! چرا حضرت علی و فاطمه زهراء<sup>علیهم السلام</sup> و دهها نفر از صحابه بزرگ رسول خدا همچون سعد بن عباده و عباس عمومی پیامبر وزیر و... با روایات و خلافت ابوبکر مخالفت کردند؟ آیا این افراد بنای مخالفت با پیامبر و سخنانش را داشتند؟ یا این که درباره خلافت ابوبکر اصلاح نصی نبوده و روایات مذکور از جعلیات بنی الزبیر و بنی امية است؟

پس از بیان این مقدمه طولانی به همان نکته‌ای که در ابتدا اشاره کردم تاکید می‌کنم که ما از پیروان مکتب خلفاً می‌پرسیم دلیل شما بر مشروعیت خلافت ابوبکر و لزوم تبعیت از او چیست؟

با توجه به مطالب ذکر شده معلوم شد که اهل سنت و پیروان مکتب خلفاً برای اثبات مشروعیت خلافت خلفاً به چند آیه و روایت که نمونه‌هایی از آنها را ذکر کردیم، استدلال و استناد کرده و آن را از ادله واضح و قاطع مشروعیت خلافت خلفاً می‌دانند و مخالفت با آن را فسق و کفر می‌دانند.

ما در این کتاب و به حول و قوه الهی به بیان مهمنترین ادله قرآنی و روائی اهل سنت پرداخته و استدلالات قرآنی آنان را مورد مناقشه دلایلی و ادله روایی را از نظر سند و دلالت مورد بررسی و نقد قرار داده و رد کرده‌ایم.

۱. قوله :سئلَتْ عائِشَةَ :مَنْ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ مُسْتَخْلِفًا لَوْ اسْتَخْلَفَهُ؟ قَالَتْ :أَبُوبَكَرٌ . فَقِيلَ لَهَا : ثُمَّ مَنْ بَعْدَ أَبِي بَكَرٍ؟ قَالَتْ :عُمَرٌ . ثُمَّ قِيلَ لَهَا : مَنْ بَعْدَ عُمَرٍ؟ قَالَتْ :أَبُو عِيَّدَةَ بْنَ الْجَرَاحِ . فِيهِ دَلِيلٌ لِأَهْلِ السُّنَّةِ أَنَّ خَلَافَةَ أَبِي بَكَرٍ لَيْسَتْ بِنَصِّ مِنَ النَّبِيِّ عَلَى خَلَافَتِهِ صَرِيحًا ، بَلْ أَجْمَعَتِ الصَّحَابَةُ عَلَى عَقْدِ الْخَلَافَةِ لَهُ وَ تَقْدِيمِهِ لِفَضْلِهِ . وَ لَوْ كَانَ هَنَاكَ نَصٌّ عَلَيْهِ أَوْ عَلَى غَيْرِهِ لَمْ تَقْعُ الْمَنَازِعَةُ مِنَ الْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ أَوْلَأَ وَ لِذِكْرِ حَفَظِ النَّصِّ مَعَهُ وَ لِرَجْعَوْا إِلَيْهِ ، لَكِنْ تَنَازَعُوا أَوْلَأَ وَلَمْ يَكُنْ هَنَاكَ نَصٌّ ». الْمَنَاهَجُ فِي شَرْحِ صَحِيفَةِ مُسْلِمَ بْنِ الْحَجَاجِ : ج: ۵، ص: ۵۳۴ ، كِتَابُ الْفَضَائِلِ ، بَابُ مِنْ فَضَائِلِ أَبِي بَكَرٍ ، شَرْحُ حَدِيثِ ۲۲۸۵ . جَهْتُ آشْنَايِي بَا مُخَالَفَانِ سَقِيفَهِ وَمَوْاضِعَ آنَانِ بِهِ كِتَابُ «نَاجَفَتَهُمْ بِهِ از سَقِيفَهِ» مَرَاجِعَهُ شَوْدٌ .

مبنای ما در این نوشتار و سایر تالیفات بر رعایت ادب مناظره در بحث و نویسنده‌گی و تالیف بوده و تلاش کرده‌ایم به اعتقادات و شخصیت‌های مورد احترام طرف مقابل توهینی صورت نگرفته باشد و تنها ادله و سخنان و استدلالاتشان را مورد مناقشه و رد قرار دهیم. به امید آن که این نوشته با دقت و بدون تعصب و فارغ از پیش‌فرضها و باورهای موروثی مورد مطالعه قرار گیرد تا حقیقت روشن شود و آماده پذیرش هرگونه نقد و انتقاد منصفانه نیز هستیم.

در خاتمه از فرزند عزیزم جناب حجۃ‌الاسلام و المسلمین شیخ حسن بلقان‌آبادی که در تحقیق و تخریج مصادر کتاب تلاش فراوانی داشتند، سپاسگزارم.

نجم الدین طبسی

۱۵ رجب ۱۴۳۸ قمری

۲۴ فروردین ۱۳۹۶ شمسی

روز رحلت حضرت زینب علیها السلام

مؤسسه ولاء صدیقه کبری علیها السلام